

طلبکار به هنگام سررسید دین، در ازای اعطای مهلت به بدهکار خود گاهی به میزان دو برابر به مبلغ دین می‌افزود.<sup>۱</sup>

بررسی آراء صادره از دادگاه‌های استان تهران - که در مجموعه آراء دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران به چاپ رسیده است - نشان می‌دهد که: اولاً، رویه قضایی برخلاف ظاهر ماده ۲۳۰ قانون مدنی حداقل درباره دیون پولی توافق مازاد بر شاخص تورم را غیرقابل اجراء می‌داند؛ ثانیاً، درباره مطالبات بانک‌ها با توجه به مقررات استثنایی، این دسته از طلبکاران را از محدودیت موجود در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی برکنار شده و معزول به‌شمار می‌آورد:

### مشخصات رأی اول

شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۳۰۰۹۳۵

تاریخ صدور رأی: ۱۳۹۱/۷/۱۹

مرجع رسیدگی بدوی: شعبه ۱۲۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران

مرجع رسیدگی تجدیدنظر: شعبه ۳۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

در خصوص مطالبه ۳۰ درصد خسارت تأخیر تأدیه از کل دین به ازاء هر روز با عنایت به اینکه دادگاه، موضوع را ربوی دانسته و از شمول مقررات ماده ۲۲۱ قانون مدنی خارج می‌داند و در مانحن‌فیه خواهان صرفاً می‌تواند از مقررات ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی استفاده کند لذا دعوی خواهان را ثابت ندانسته و مستند به ماده ۱۹۷ قانون اخیرالذکر حکم به بی‌حقی خواهان صادر و اعلام می‌گردد.

شعبه ۳۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به استناد ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی، دادنامه تجدیدنظرخواسته را عیناً تأیید و استوار می‌نماید.

۱. بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، «ریا» (قم: نشر بوستان کتاب قم، چاپ اول، ۱۳۸۱)، ص ۵۹.

## توافق بر خسارت تأخیر تأدیه با تأکید بر رویه قضایی

رضا مقصودی \*

حسین داودی \*\*

### ۱. مقدمه

عنوان «صلح بر خسارت تأخیر تأدیه» برگرفته از قسمت اخیر ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی است. این ماده بعد از تجویز مطالبه خسارت تأخیر بر طبق شاخص تغییر قیمت بانک مرکزی به طرفین اجازه داده است با برخلاف آن، مصالحه نمایند. نام دیگر مصالحه مزبور - زمانی که قبل از ورود خسارت انجام شده باشد - وجه التزام تأخیر در انجام تعهد است که این وجه در جایی که موضوع تعهد تأدیه وجه رایج باشد به خسارت تأخیر تأدیه، بسیار شباهت دارد. در واقع وجه التزام مذکور، همان خسارت تأخیر در تأدیه پول می‌باشد که میزان آن به تراضی داین و مدیون تعیین شده است. طرفین معمولاً در قرارداد خود ضمن تعیین مهلت پرداخت دین، وجه التزام برای تأخیر در تأدیه در نظر می‌گیرند به طوری که مدیون موظف است در ازای هر روز / ماه یا هر ظرف زمانی دیگر که تأخیر در پرداخت رخ دهد مبلغی به عنوان خسارت به داین بپردازد.

چنین پرداخت‌هایی در روابط اجتماعی از دیرباز مرسوم بوده است و نهادهای مذهبی نیز با حساسیتی که نسبت به وقوع ربا داشته‌اند، در مقابل آن به مخالفت برخاسته‌اند و آن را یکی از شقوق وقوع ربا در معاملات می‌پندارند. در عربستان جاهلی نیز یکی از انواع ربا، افزودن مبلغ دین در قبال تمديد مدت بوده است به گونه‌ای که

\* عضو هیأت علمی دانشکده علوم انسانی گروه حقوق دانشگاه گیلان

rmaghsoody@guilan.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد رشت ایران

## مشخصات رأی دوم

شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۰۲۶۹۴۰۰۲۸۹

تاریخ صدور رأی: ۱۳۹۱/۹/۱۳

مرجع رسیدگی بدوی: شعبه ۲۸ دادگاه عمومی حقوقی تهران

مرجع رسیدگی تجدیدنظر: شعبه ۵۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

## متن رأی بدوی

در خصوص دادخواست بانک خواهان، دادگاه به استناد ماده ۵۲۲ و ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، خواندگان را به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه به مأخذ شاخص سالانه بانک مرکزی از تاریخ تقدیم دادخواست لغایت اجرای حکم محکوم می‌کند.

## متن رأی تجدیدنظر

در قرارداد اجاره به شرط تملیک مقرر شده است که در صورت تأخیر در پرداخت اقساط مال الاجاره خسارتی معادل ۵۵/۱۰ واحد بر مبنای ۱۰۰۰۰ در روز پرداخت گردد و به عبارتی، به نحو دیگری غیر از مصادیق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصالحه کرده‌اند. برابر مستفاد قانون الصاق دو تبصره به ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا خسارت مورد نظر باید به ترتیبی که در قرارداد تنظیمی طرفین مقرر شده پرداخت گردد. نظر به مراتب، این قسمت از دادنامه بدوی را واجد اشکال دانسته با استناد به ماده ۳۴۸ و ۳۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ضمن نقض رأی در این مورد تجدیدنظر خواندگان را متضامناً به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۰ لغایت اجرای حکم بر مبنای مفاد قرارداد تنظیمی در حق تجدیدنظر خواه محکوم می‌کند.

محدودیت اختیار متعاقدين در میزان مصالحه بر خسارت تأخیر اگرچه با ماده ۷۱۹ قانون سابق آیین دادرسی مدنی مشابه است اما برخلاف آن قانون - که حداکثر ۱۲ درصد را به عنوان نرخ مجاز خسارت تأخیر تأدیه مقرر داشته بود - هیچ سقف یا نرخ مقطوعی برای میزان توافق پیش‌بینی نکرده است و اعتبار توافق با توجه به وضعیت اقتصادی جامعه و میزان تورم و تغییر شاخص سالانه

کالاها و خدمات متغیر می‌باشد. در این مقال، مفهوم و سابقه تاریخی این توافق تحولات آن را در فقه امامیه، دکترین و رویه قضایی مورد بررسی قرار گرفته و در پایان پیشنهاداتی برای اصلاح وضعیت موجود ارائه می‌کند.

## ۲. پیشینه قانونی توافق بر خسارت تأخیر

سوءاستفاده مفرط از خسارت تأخیر در تأدیه دیون پولی در روزگار جدید خصوصاً از جانب بنگاه‌های مالی قدرتمند، واکنش‌های اجتماعی و سیاسی را برانگیخت و نهادهای تقنینی را واداشت تا این نوع خسارت را از حیطه اراده آزاد متعاقدين، خارج و حداکثر میزان خسارت تأخیر را مشخص نمایند به‌طوری‌که توافق اشخاص خصوصی بر خسارتی بیش از سقف مقرر در قانون، فاقد قدرت الزام‌آور حقوقی است و متعهد، به پرداخت آن مکلف نخواهد بود.

ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی سابق، سقف مجاز خسارت تأخیر تأدیه را صدی دوازده در سال تعیین کرده بود. به‌نحوی که تعیین مبلغی بیش از آن توسط طرفین به عنوان وجه التزام یا هر عنوان دیگر نمی‌تواند موضوع حکم دادگاه قرار بگیرد. به این ترتیب، در نظام قانون مذکور، وجه التزام تأخیر در تأدیه دیون پولی حداکثر به میزان دوازده درصد در سال مجاز بود، اما تعیین میزان خسارت کاملاً از حیطه اختیار متعاقدين خارج نشده بود به‌طوری‌که طرفین می‌توانند به جای سکوت درباره خسارت تأخیر و پذیرش حکم قانون، خود میزان خسارت تأخیر را تا حدی که در قانون مجاز بوده، مورد تراضی قرار دهند.

تبصره‌های ۴ و ۵ ماده ۳۴ قانون ثبت نیز دارای همان احکام ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی سابق بود. مطابق تبصره ۴، زیان دیرکرد در صورتی تعلق می‌گرفت که وجه التزامی میان طرفین مقرر نشده باشد. تبصره ۵ نیز اشعار می‌دارد هر قراری که در اسناد استقراضی به صورت وجه التزام یا طرق دیگر گذارده شود که موجب خسارت دیرکرد بیشتر از صدی دوازده باشد نسبت به مازاد، غیرقانونی و بلااثر است. ماده ۳۷ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی (مصوب ۱۳۵۵) نیز اعلام می‌کرد در هر مورد که برابر مقررات و قوانین خاص و یا مدلول سند رسمی، میزان خسارت دیرکرد کمتر از صدی دوازده معین شده باشد خسارت تأخیر به مأخذ مقرر احتساب خواهد شد.

### ۳. خسارت تأخیر تأدیه - وجه التزام تأخیر در تأدیه

برای بررسی ابعاد گوناگون توافق متعاقدين بر میزان خسارت تأخیر ابتدا لازم است اعتبار یا عدم اعتبار خسارت تأخیر و تحولات آن در حقوق موضوعه مورد توجه قرار گیرد، زیرا در بادی امر به نظر می‌رسد در صورتی که چنین خسارتی، نامشروع و فاقد اعتبار قانونی باشد به طور تبعی توافق طرفین بر خسارت تأخیر نیز باطل و بی اعتبار خواهد بود.

#### ۳.۱. عدم مشروعیت خسارت تأخیر تأدیه

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شورای نگهبان به عنوان مرجع تطبیق قوانین موضوعه با شرع و قانون اساسی به دفعات مکرر درباره خسارت تأخیر تأدیه اظهار نظر نموده و آن را مغایر با موازین شرع اعلام کرده است؛ چنانکه در نظریه شماره ۳۸۴۵ مورخ ۱۳۶۴/۴/۱۲ آمده است: «مطالبهٔ مازاد بر بدهی بدهکار به عنوان خسارت تأخیر تأدیه جایز نیست... بنابراین، مواد ۷۱۹ تا ۷۲۳ قانون آیین دادرسی حقوقی قابل اجراء نیست». نظریه شماره ۳۳۷۸ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۱۴ شورای نگهبان با صراحت بیشتری أخذ مازاد بر بدهی بدهکار را به عنوان خسارت تأخیر تأدیه از جمله در مواد ۳۴، ۳۶، ۳۷ قانون ثبت، باطل و خلاف موازین شرع اعلام نمود.

دیوان عالی کشور نیز در همین راستا پیشاپیش وارد عمل شده و طی دادنامه شماره ۶ مورخ ۱۳۶۱/۲/۲۷ مستند به اصل ۴۹ قانون اساسی خسارت ناشی از تأخیر را به عنوان معامله ربوی، باطل اعلان کرد.<sup>۱</sup>

#### ۳.۲. تأثیر عدم مشروعیت بر وجه التزام تأخیر در تأدیه

حال، در خصوص تأثیر عدم مشروعیت بر وجه مزبور، این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که: آیا بطلان خسارت تأخیر تأدیه و نسخ قوانین راجع به آن، از نظر معنا و مفهوم با بطلان وجه التزام تأخیر در تأدیه نیز مترادف است یا خیر؟ آیا

۱. ربیعا اسکینی، «وجه التزام در قراردادهای تجاری بین‌المللی»، مجله حقوقی، ش ۹، (۱۳۶۷): ص ۷۰.

توافق متعاقدين در تعیین خسارت به طریق اولی غیر قابل استناد خواهد بود همان‌طور که خسارت تأخیر مندرج در قانون به چنین سرنوشتی مبتلا گردید؟

آیت‌الله رضوانی - که در سال ۱۳۶۱ در شورای نگهبان حضور داشته است - در تبیین نظریه شورا می‌گوید: «... جریمه تأخیر، ربا نیست بلکه بانک می‌گوید: سر ماه باید قسط خود را بپردازد. اگر نیاورد، در همان موقع باید فلان مبلغ را به عنوان جریمه بپردازد، نه اینکه جریمه را می‌دهی تا مبلغ قسط یک ماه دیگر پیش تو بماند، لذا تأخیر تأدیه ربا نیست. حال که ربا نیست اگر در ضمن عقد یا قرض شرط شده باشد. حکم «المؤمنون عند شروطهم» دارد و اشکال به وجود نمی‌آید».<sup>۱</sup>

آیت‌الله صافی گلپایگانی - دبیر شورای نگهبان در سال ۱۳۶۱ - در پاسخ استفتایی، دریافت جریمه تأخیر را به عنوان وجه التزام مجاز می‌داند: «اگر مفهوم شرط مذکور، مجاز بودن مدیون در تأخیر ادای دین در مقابل ۱۲ درصد باشد ربا و حرام است و اگر مقصود، الزام مدیون بر ادای دین در رأس مدت مقرر باشد که وجه التزام در مقابل عدم اداء باشد ظاهراً اشکال ندارد».

آراء سایر فقهاء نیز در این خصوص متفاوت است: برخی (آیت‌الله صانعی) بر اعتبار مطلق وجه التزام تأخیر در تأدیه نظر دارند؛<sup>۲</sup> عده‌ای دیگر (آیت‌الله مکارم شیرازی) چنین شرطی را فاقد اعتبار می‌دانند<sup>۳</sup> و بعضی هم (آیت‌الله نوری همدانی) تأکید دارند که بر اساس مقررات حکومت اسلامی عمل شود.<sup>۴</sup> اگرچه وی در اظهار نظر دیگری أخذ جریمه دیرکرد از سوی بانک‌ها را مصداق ربا و به لحاظ شرعی حرام دانسته است.<sup>۵</sup> و کسانی چون شهید صدر نیز به نوعی توافق بر خسارت، مسئولیت

۱. مصاحبه با آیت‌الله رضوانی درباره بانکداری اسلامی، تهران، بانک مرکزی، ۱۳۷۲. به نقل از: سیدعباس موسویان، «بررسی فقهی - حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران»، مجله فقه و حقوق، ش ۴، (سال ۱۳۸۴): ص ۲۵.

۲. یوسف صانعی، استفتائات قضایی (تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴)، ص ۷۵.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی رسا، ۱۳۸۳. به نقل از: سیدعباس موسویان، پیشین، ص ۲۶.

۴. همان.

۵. روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۲، ص ۴.

خسارت ناشی از کاهش ارزش پول و همچنین جواز پرداخت پول براساس ارزش زمان پرداخت را پذیرفته‌اند.<sup>۱</sup>

آیت‌الله محمدکاظم حائری یزدی در مقاله خود ضمن اینکه درخصوص غصب پول معتقد است غاصب باید براساس ارزش جدید، پول (متناسب با نرخ تورم) را رد نماید و نیز چنین اثری را برای موردی که سلطان پول قدیم را از اعتبار ساقط کند شناسایی نموده، پرداخت را با نرخ جدید ضروری دانسته است، درمورد قرض و نهادهای مشابه آن این ضمان را رد کرده و آورده است: «... حتی اگر فرض شود اطلاق هست که بتواند ضمان قدرت خرید را ثابت کند، آن اطلاق به حرمت أخذ زیادی در قرض، که در شریعت قطعی است مقید می‌شود...»<sup>۲</sup>. همچنین وی درمورد کاهش ارزش پول معتقد است: «... پایین و بالا رفتن قدرت خرید فقط به اوراق اعتباری اختصاص ندارد، بلکه طلا و نقره نیز در قدیم به چنین اختلافی مبتلا بوده‌اند، زیرا گاه قدرت خرید مجسم در آنها بالا می‌رفت و گاه پایین می‌آمد و همچنین در هنگام مقایسه آن دو با یکدیگر بهای بازاری آنها نیز دچار چنین تنزل و صعودی بوده است. همه این تغییرات، حرمت زیادی یا ربا شمردن آن و یا مشمول این آیه بودن را «و إن تبتّم فلکم رؤوس أموالکم لاتظلمون و لاتظلمون»<sup>۳</sup> زیر سؤال نمی‌برد. پس چرا ویژگی مزبور بر حکم اوراق اعتباری مؤثر باشد؟<sup>۴</sup>

صاحب‌جوهر به نوعی أخذ اضافی را به عنوان خسارت تأخیر (صلح بر خسارت تأخیر) در موردی که در ضمن عقد بیع واقع شود صحیح دانسته، صحت آن را به این صورت مدلل نموده است که در این موارد شرط اعتبار خود را از دلیل

لزوم بیع و ادله دیگر أخذ می‌کند و نه از قرض تا ربا لازم آید و این مورد را با شرط در خود عقد قرض متفاوت دانسته است.<sup>۱</sup> و نیز پیامبر(ص) می‌فرمایند: «مماطله غنی، ظلم است»<sup>۲</sup>.

همان‌طور که اشاره شد بسیاری از فقهاء در میان دو طیف متضاد قرار گرفته‌اند؛ عده‌ای به استناد مقررات ربا و مخالفت با کتاب و سنت چنین شرطی را بی‌اعتبار و باطل می‌دانند و گروهی دیگر نیز (مانند فقهای شورای نگهبان) برای چنین شرطی، معتقد به اعتبار مطلق هستند بی‌آنکه حداقل یا حداکثری برای اعتبار شرط قائل باشند. درواقع برحسب مستندات فقهی چنانچه شرط خسارت تأخیر با مقررات ربا - اعم از ربای قرضی و ربای تمدید مهلت - برخورد نداشته و برطبق عمومات صحت شروط، معتبر باشد نمی‌توان محدوده‌ای برای صحت شرط متصور شد. یکی از تمایزات وجه التزام تأخیر با مقررات ربا وجود عنصر تخلف در مطالبه وجه التزام می‌باشد؛ درحالی‌که مقررات ربا از جمله تمدید مهلت در مقابل افزایش بدهی براساس تخییر و توافق استوار است.

اظهارنظر شماره ۷۷۴۲ مورخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۱ شورای نگهبان در ارتباط با این قسم از وجه التزام، قابل توجه است. بانک مرکزی در پاسخ به سؤال شورای نگهبان که: آیا بانک در قرارداد با مشتریان، مجاز است شرط «... وام و یا اعتبارگیرنده با امضای این قرارداد ملزم و متعهد می‌شود تا زمان تسویه کامل بدهی ناشی از این قرارداد، علاوه بر بدهی تأدیه نشده، مبلغی معادل ۱۲ درصد مانده بدهی برای هر سال نسبت به بدهی مذکور برحسب قرارداد به بانک پرداخت نماید...» را درج نماید، اشعار می‌دارد که متن ذکرشده، با اصلاح عبارت «تسویه کامل بدهی» به

۱. و إن كان في بعضها ما فيه، بعد وضوح الفرق بين المسألتين و أنهما ليسا من سنخ و أحد، ضرورة عدم الاشتراط في عقد القرض، و إنما هو شرط في عقد البيع فلا بأس به، و إن كان محاباة، و كون ذلك هو السبب في فعل القرض، و إلا لم يقع من المقترض، لا يدرجه تحت أدلة المنع كما هو واضح. محمدحسن نجفی، **جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام** (لبنان - بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۴ هـ. ق.)، ج ۲۵، ص ۶۳.

۲. قال و من ألقا رسول الله (ص): «مطل الغني ظلم». و نیز «مَنْ يَمْتَلُ عَلَى ذِي حَقِّ حَقًّا وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى إِدَائِهِ حَقَّهُ فَعَلَيْهِ كُلُّ يَوْمٍ حَاطِيئَةٌ عَشْرًا». حرّ عاملی، **وسائل الشیعه** (قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام،

۱۴۰۹ هـ. ق.)، ج ۱۸، ص ۳۳۳.

۱. سیدمحمدباقر صدر، **البنک اللاروی** (بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ هـ. ق.)، ص ۱۷۴؛ «فإن البنك يضمنها بقيمتها الحقيقية لأن الأوراق النقدية و إن كانت مثلية ولكن مثلها ليس هو الورق فحسب بل ما يمثل قيمتها، فليس من الربا أن يدفع البنك لدى الوفاء ما يمثل قيمته ما أخذ و تقدر القيمة الحقيقية على أساس الذهب و سعر الصرف بالذهب». سیدمحمد باقر صدر، **الإسلام يقود الأحياء**، ش ۶، الأسس العامة للبنك في المجتمع الإسلامي، دوم، (بیروت: دارالمعارف، ۱۳۹۹ هـ. ق.)، ص ۱۹.

۲. کاظم حائری یزدی، «بررسی اوراق نقدی از منظر فقهی»، **مجله فقه اهل بیت(ع)**، س ۵، ش ۱۹ و ۲۰ (۱۳۷۸): ص ۷۷.

۳. بقره/ ۲۷۹.

۴. همان، ص ۷۰.

عبارت «تسویه کامل اصل بدهی» بلاشکال است و مغایر با موازین شرعی نمی‌باشد.

نتیجه تفکیک میان نظرات شورای نگهبان این است که نظریات راجع به ممنوعیت کلی خسارت تأخیر را «قاعده عام» و نظریه مربوط به صحت وجه التزام - خسارت تأخیر تأدیه مندرج در قرارداد - را «قاعده خاص» بدانیم که به‌زعم شورای نگهبان صحیح و قابل وصول است.<sup>۱</sup>

در اینجا ابهام دیگری نیز مطرح می‌شود و آن اینکه قوانین سابق، سقف وجه التزام تأخیر در تأدیه را مشخص ساخته بود حال آنکه نظریه شورای نگهبان محدوده‌ای برای این وجه التزام در نظر نگرفته است. خصوصاً اگر قائل به این امر باشیم که وجه التزام نه تنها در عملیات بانکی بلکه در ارتباط با قراردادهای مربوطه به اشخاص دیگر نیز قابل اعمال است.

### ۳.۳. بازگشت مشروعیت خسارت تأخیر تأدیه

قانونگذار به تدریج و ناگزیر از ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی، خسارت تأخیر تأدیه را در موارد خاص مورد تأیید قرارداد. از جمله اینکه مصوبه ۶۸/۱۰/۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، دریافت خسارت تأخیر تأدیه به وسیله بانک‌ها را مشروعیت بخشید. در این قانون نه تنها به خسارت تأخیر تأدیه بلکه در کنار آن به جریمه عدم انجام تعهد اشاره شده است که می‌تواند بازتابی از وجه التزام تأخیر در انجام تعهد باشد. نکته قابل توجه اینکه در قانون مزبور فارغ از محدودیت‌های سابق، هیچ‌گونه اشاره‌ای به حداکثر نرخ خسارت تأخیر که قابل مطالبه باشد، نشده است.

اما سرانجام این قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی (مصوب ۱۳۷۹) بود که تکلیف خسارت تأخیر تأدیه را به‌طور کلی مشخص ساخت. مع‌هذا ماده ۵۲۲ قانون جدید نسبت به ماده ۷۱۹ قانون سابق دربرگیرنده تفاوت‌هایی است:

۱. ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها (تهران: شرکت انتشار، بهمن برنا، چاپ دوم، ۱۳۸۵)، ج ۴،

الف) در قانون جدید، پرداخت خسارت تأخیر علاوه بر مطالبه داین و خودداری مدیون، به تمکن مدیون مشروط شده است.

ب) میزان خسارت تأخیر در قانون جدید، به تغییر شاخص قیمت‌ها و گذار شده که توسط بانک مرکزی اعلام می‌شود.

ج) برخلاف قانون سابق نه تنها از وجه نقد بلکه از وجه رایج (پول رایج ایران) سخن گفته و خسارت تأخیر تأدیه را به آن محدود کرده است.

دیدگاه حاصل از این تحلیل و بررسی، آن است که مبلغ قابل مطالبه در ماده ۵۲۲ قانون جدید آیین دادرسی مدنی، خسارت نیست، زیرا پول از اموال اعتباری است و اسکناس درحقیقت نماینده پول است نه خود پول. بالا رفتن شاخص هزینه زندگی جز خالی شدن تدریجی پول از اسکناس نمی‌باشد و از آنجا که پرداخت رقم اضافی اسکناس به معنای پرداخت پول اضافی نیست لذا نمی‌تواند ربا محسوب شود.<sup>۱</sup>

فقهاء نیز این نکته را پذیرفته‌اند که اگر کسی اسکناس را قرض دهد، سپس از اعتبار ساقط شود مدیون باید ارزش آن اسکناس قبل از سقوط از اعتبار را بپردازد. این حکم نه تنها بر سقوط کلی و پوچ شدن اسکناس بلکه بر سقوط جزئی نیز حاکم است و مدیون باید ارزش معادل جزء ساقط‌شده را نیز به همراه اصل دین پرداخت نماید.<sup>۲</sup>

این‌گونه تحلیل از ماده ۵۲۲ قانون مزبور از یک جهت، صحیح و از جهت دیگری قابل نقد است. از یک‌سو چون مدیون، چیزی مازاد بر بدهی پرداخت نمی‌کند و همان پول باید پرداخت شود، لذا مقید نمودن مطالبه آن به شرایط متعدد از جمله توانگری بدهکار صحیح نیست. چنین تحلیلی منطقی به نظر می‌رسد مگر آنکه شرایط و قیود مورد نظر قانونگذار را اسباب موجهه‌ای بدانیم که به عنوان معاذیر بدهکار مانع تحقیق مسئولیت می‌گردد. خصوصاً اینکه ماده ۵۱۵ قانون جدید عنصر «تقصیر» را در تحقق مسئولیت

۱. مهدی شهیدی، حقوق مدنی: آثار قراردادها و تعهدات (تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۲)، ج ۳، ش ۱۵۱.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله (تهران: چاپخانه قدس، ۱۳۸۶)، ج ۱، ص ۶۵۶؛ سیدابوالقاسم خوبی، منهج الصالحین (قم: انتشارات مدینه‌العلم، ۱۴۱۰ هـ. ق.)، ج ۲، ص ۱۷۳.

راجع به خسارت، ضروری قلمداد کرده است. از سوی دیگر اظهار اینکه «ماده ۵۲۲ قانون جدید خسارت نیست»، نمی‌تواند مورد پذیرش باشد. بدهکار با پرداخت مابه‌التفاوت ناشی از نرخ تورم که موجب کاهش ارزش پول شده است طلبکار را در وضعیتی قرار می‌دهد که گویی دین خود را به‌طور کامل پرداخت کرده است. به این ترتیب، خسارت طلبکار از بابت تقویت ارزش دین، تدارک و جبران می‌شود. بنابراین، حکم ماده ۵۲۲ نیز در مقام بیان خسارت تأخیر تأدیه است. چنین خسارتی از دو جهت فاقد جنبه تنبیهی و جزایی است و صرفاً وجهه و صبغه جبران خسارت بر خود می‌گیرد: الف) نداشتن نرخ ثابت؛ ب) با توجه به تحول اقتصادی، مورد ارزیابی قرار گرفتن توسط بانک مرکزی. حکم تبصره ۲ ماده ۵۱۵ مبنی بر اینکه خسارت تأخیر تأدیه در موارد قانونی قابل مطالبه است به معنای نفی خسارت تأخیر از حکم ماده ۵۲۲ نیست بلکه مقنن در پی آن است که قوانین خاص مربوط به خسارت تأخیر تأدیه همچنان موضوع حکم جداگانه قرار گیرد. بنابراین، قانون نحوه وصول مطالبات بانکها (مصوب ۱۳۶۸) همواره پایدار و استوار است و با وضع ماده ۵۲۲ قانون جدید نسخ نمی‌گردد.

#### ۴. میزان وجه التزام تأخیر در تأدیه

در حال حاضر با توجه به اصلاحات مربوط به خسارت تأدیه و درج آن در مقررات موضوعه از آنجا که قانون جدید برخلاف قانون سابق صراحتی در باب وجه التزام ندارد، این سؤال مطرح می‌شود که: آیا وجه التزام تأخیر در تأدیه در مقررات جدید از مشروعیت برخوردار است یا خیر؟ یا اینکه صرفاً در همان چارچوب نرخ خسارت تأخیر تأدیه (شاخص‌های بانک مرکزی) مجاز است؟ یا اینکه چون قانون جدید، وجه التزام مازاد بر نرخ خسارت تأخیر را ممنوع نکرده، توافق متعاقدين فارغ از هرگونه محدودیتی مجاز و قابل پذیرش است؟

#### ۴.۱. اعتبار مطلق وجه التزام تأخیر در تأدیه

همان‌طور که اشاره شد قبل از تصویب قانون جدید، با نسخ ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی توسط شورای نگهبان<sup>۱</sup> و نظریات متنوع شورا، این دیدگاه قوت گرفته

بود که خسارت تأخیر تأدیه قراردادی - وجه التزام - به‌طور کامل صحیح و معتبر است از جمله در دعوی مطروحه در شعبه ۳ دیوان عالی کشور درحالی که مطابق رأی دادگاه بدوی درباره مطالبه خسارت تأخیر تأدیه به لحاظ فقد وجهت شرعی رأی به رد دعوی صادر شده بود، مطابق دادنامه شماره ۳/۵۹۳ مورخ ۷۱۹/۲۳ اعلام شد: «خسارت تأخیر تأدیه که مورد مطالبه بانک خواهان قرار گرفته مبتنی بر ماده ۷۱۹ ق.آ.د.م. نیست که با موازین شرعی مخالف باشد، بلکه این خسارت براساس قرارداد مستند دعوی مطالبه شده و در مواد ۱۰ و ۱۱ این قرارداد که شرط ضمن‌العقد است طرفین لزوم پرداخت خسارت تأخیر تأدیه و حتی کیفیت محاسبه آن را تصریح کرده‌اند و لزوم ایفاء شرط با عنایت به ماده ۲۳۰ قانون مدنی مقطوع و مسلم است ... به‌ویژه حسب مفاد اصل چهارم قانون اساسی مرجع تشخیص انطباق قوانین با موازین اسلامی فقهای شورای نگهبان است و این مرجع تاکنون در باب مخالفت ماده ۲۳۰ قانون مدنی با موازین شرعی نظری ابراز نداشته و با اینکه قانون مدنی از طرف مجلس شورای اسلامی مورد بازنگری قرار گرفته، ماده ۲۳۰ آن ابقاء شده است...»<sup>۱</sup>

اما قانون جدید در قسمت پایانی ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی بعد از ذکر شرایط تفصیلی مطالبه خسارت تأخیر تأدیه، بدون ذکر عبارت «وجه التزام» آورده است: «... مگر اینکه طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند». اصطلاح «مصالحه» چنان عام است که مصالح متعاقدين قبل از صدور رأی دادگاه و حتی پیش از وقوع تخلف از قرارداد را در برمی‌گیرد بی‌آنکه برحسب ظاهر حداقل یا حداکثری بر میزان صلح متصور باشد. ماده ۵۱۵ قانون جدید نیز تصریح می‌نماید در صورت وجود قرارداد خاصی درخصوص خسارت، بر طبق قرارداد اقدام می‌شود. ماده ۵۲۲ قانون جدید نتیجه تحولات بعد از انقلاب درباره خسارت تأخیر تأدیه و وجه التزام است. از یک‌سو پرداخت خسارت تأخیر تأدیه مطابق شاخص‌های تورم بانک مرکزی - که در ابتدا فقط از جانب مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره عدم پرداخت وجه چک در تاریخ ۷۷/۹/۲۱ مورد تأیید قرار گرفته بود - از سال ۱۳۷۹ و با

۱. بداله بازگیر، قانون مدنی در آئینه آراء دیوان عالی کشور، عقود و تعهدات (تهران: انتشارات فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۷۸)، ج ۳، ص ۲۷۵.

۱. پژوهش حاضر، به مباحث مربوط به اختیار شورای نگهبان در نسخ قوانین سابق که در کتب حقوقی مورد بحث قرار گرفته است، وارد نمی‌شود.

تصویب قانون جدید آیین دادرسی مدنی، مستند فقهی یافته و صرف‌نظر از حکم ولایی و مصلحتی به تأیید شورای نگهبان رسید. همین حکم در سال ۱۳۸۲ در ماده ۴ اصلاح قانون صدور چک، تکرار و مجدداً به تأیید شورای نگهبان رسید. قانونگذار در سال ۱۳۷۹ برخلاف قانون آیین دادرسی ۱۳۱۸ صراحتاً به موضوع وجه التزام وارد نشد. مع‌هذا به نظر می‌رسد مقصود مجلس و شورای نگهبان ادامه اعتبار نظریه مورخه ۱۳۶۱/۱۱/۲۸ شورای نگهبان خطاب به بانک مرکزی است. سکوت در مقام بیان، عبارت ضمنی «مگر اینکه طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند» و نیز اظهار نظر اعضای شورای نگهبان درباره شروط وجه التزام تأخیر تأدیه، مؤید استمرار نظر شورای نگهبان مبنی بر اعتبار توافق متعاقدين درباره تأخیر تأدیه می‌باشد. از طرفی این روند قانونگذاری به معنای احیاء ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی سابق و طی آن امکان توافق طرفین بر درصدی معین و ثابت (مثلاً ۱۲ درصد) به عنوان خسارت تأخیر فراهم نشده است، زیرا قانونگذار در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، دارای رویکردی است از نوع «جبران خسارت»، لذا در این باره شروطی را اذعان داشته، و از طرفی خواسته است این حربه به‌طور مطلق در دستان طرفین قرارداد نباشد و موازنه‌ای میان مقررات شرعی و مصلحت‌های قراردادی و اقتصادی برقرار کرده، به همین سبب آن را محدود به شاخص تورم نموده است؛ شاخصی که حالتی شناور داشته و ممکن است کمتر یا بیشتر از ۱۲ درصد باشد. بنابراین، با توجه به روند قانونگذاری، نصوص جدید باید با این هدف تفسیر گردد که نتیجه آن همچنان منسوخ بودن ماده ۷۱۹ یادشده می‌باشد.

برحسب مستندات فقهی نیز چنانچه شرط خسارت تأخیر با مقررات ربا - اعم از ربای قرضی و ربای تمديد مهلت - برخورد نداشته و بر طبق عموماً مصلحت شروط، معتبر باشد نمی‌توان محدوده‌ای برای صحت شرط متصور شد.

چنین نتیجه‌ای به‌وضوح نامطلوب است، زیرا امکان سوءاستفاده طلبکاران خصوصاً بنگاه‌های مالی را بیش از پیش فراهم می‌کند. این دسته از اشخاص برحسب مقررات قراردادهای الحاقی که بدهکار ناگزیر از امضای آن است، احکام قانون را به‌راحتی کنار گذاشته و میزان وجه التزام را به‌طور کامل در ید اختیار خود می‌گیرند. از سوی دیگر درحالی‌که بسیاری از نظام‌های حقوقی به‌منظور جلوگیری از اعمال مجازات در روابط خصوصی و با توجه به ملاحظات اجتماعی برای تحدید اختیار طرفین قرارداد،

قوانین گوناگونی را وضع کرده یا در رویه قضایی بر آن تأکید نموده‌اند، الغاء چارچوب ماده ۷۱۹ قانون قدیم آیین دادرسی مدنی و عدم تعیین میزان حداکثر برای توافق متعاقدين گام برداشتن در مسیری برخلاف تحولات اقتصادی و اجتماعی بوده و زمینه فشار بیشتر بر بدهکاران را فراهم می‌کند، لذا پیشنهاد می‌شود رویه قضایی با انتخاب یکی از دو راه حل زیر در جهت تعادل عقلانی و اقتصادی مقررات وجه التزام هم‌سو با سایر نظام‌های حقوقی حرکت نماید:

۱- همان‌طور که در نامه استعلام سال ۱۳۶۱ بانک مرکزی خطاب به شورای نگهبان آمده و مستند صحت وجه التزام تأخیر در تأدیه است، سقف مبلغ وجه التزام معادل ۱۲ درصد مانده بدهی در هر سال تعیین گردد و مبلغ مازاد به دلیل عدم تأیید شورای نگهبان و فقدان مجوز قانونی رد شود.

۲- جمله پایانی ماده ۵۲۲ قانون جدید بر مصالحه نسبت به مبلغی کمتر از نرخ تورم حمل گردد به‌طوری‌که سقف یا حداکثر مورد نظر قانونگذار همان نرخ مورد نظر بانک مرکزی بوده و توافقی مازاد بر آن غیرقابل اجرا به‌شمار آید.

#### ۴.۲. تفکیک توافق به اعتبار ذی‌نفع تعهد

بعضی از نویسندگان قائل بر همین تفسیر هستند و با تأیید مطلق توافق متعاقدين در مورد غیربانک‌ها نیز وجه التزام قراردادی را اعمال می‌کنند: جواز تعیین خسارت تأخیر تأدیه به صورت وجه التزام به بانک‌ها محدود نمی‌شود، زیرا بانک‌ها خصوصیتی ندارند که قاعده یادشده فقط در مورد آنها اعمال گردد، ولی این نکته که در مورد غیربانک مبلغ وجه التزام نباید بیش از ۱۲ درصد در سال باشد محل تردید است و اینکه شورای نگهبان در این خصوص اعلام نظر نماید مغتنم خواهد بود.<sup>۱</sup>

برخی دیگر از نویسندگان در ابتدا نظریه شورای نگهبان در مورد تجویز شرط خسارت تأخیر تأدیه را فقط ناظر به جایی می‌دانند که یک بانک داین و متعهدله باشد: ظاهراً این‌گونه برداشت می‌شود که نظر شورا چنانکه عام فرض می‌شد نبود و تنها براساس رعایت مصالح جامعه و حفظ منافع عموم نظر به قراردادهای بانکی (که دولتی بودند)

۱. ربیعا اسکینی، پیشین، صص ۶۶ - ۶۷.

داشته است. این استنباط با مشاهده نظر بعدی شورا - که گویا از برداشت گسترده بالا مطلع شده بود - نمودار می‌گردد وقتی که در نظریه شماره ۳۸۴۵ - ۶۴/۴/۱۲ چنین ابراز می‌دارد: «مطالبه مازاد بر بدهی بدهکار به عنوان خسارت تأخیر تأدیه چنانچه حضرت امام مد ظله نیز صریحاً به این عبارت (آنچه به حساب دیرکرد تأدیه بدهی گرفته می‌شود ربا و حرام است) اعلام نموده‌اند جایز نیست و احکام صادره بر این مبنا شرعی نمی‌باشد»<sup>۱</sup> اما سپس اظهار می‌دارند با توجه به تصریح بخش آخر ماده ۵۱۵ مبنی بر امکان توافق بر خسارت میان طرفین، مشخص نیست که آیا این عبارت را می‌توان به خسارت تأخیر تأدیه هم تسری داد و با جمع این بخش از ماده مزبور با ماده ۲۳۰ ق.م. توافق بر خسارت تأخیر تأدیه را هم مجاز دانست یا خیر؟ و در صورت پاسخ مثبت، چه سقفی را می‌توان برای این توافق قرار داد؟ به نظر می‌رسد پاسخ این سؤال، مثبت باشد و مستند آن نیز ماده ۵۲۲ همین قانون است. براساس این ماده در دعاوی مطالبه وجه، دایمی که متمکن باشد و از پرداخت امتناع نماید می‌باید علاوه بر اصل دین، خسارتی برای تأخیر در پرداخت بپردازد که همان خسارت تأخیر تأدیه است. البته قانون از تعیین نصاب و درصد معینی برای این خسارت اجتناب نموده و تعیین آن را در موارد غیرتوافقی بر عهده دادگاه گذارده تا به روش بالا انجام دهد، اما همین ماده به طرفین نیز اختیار داده است که خود به نحوی درخصوص میزان این خسارت، مصالحه نمایند. از اطلاق این جواز استنباط می‌شود که طرفین می‌توانند به هر روشی که مقتضی بدانند تعیین خسارت کنند یا درصد معینی از اصل را برای تأخیر تعیین نمایند، و یا مبلغی معین و قطعی را به عنوان خسارت قرار دهند.<sup>۲</sup>

به‌زعم برخی از حقوقدانان، از نظر حقوقی راهکار شورای نگهبان مبنی بر امکان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد در قالب شرط ضمن عقد، با مقررره مذکور در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی

۱. مرتضی عادل، «توافق بر خسارت در قراردادهای»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه

تهران، دوره ۵۳، (۱۳۸۰): ص ۱۰۳.

۲. همان، ص ۱۰۷.

قابل جمع است؛ یعنی اگر طرفین، شرطی را در ضمن عقد به‌منظور الزام طرف به رعایت دقیق سررسید بگنجانند آن شرط، نافذ است و شرایط ذکرشده در ماده ۵۲۲ قانون مزبور لازم‌الرعایه نیست و اگر شرط ضمن عقد - به ترتیبی که گفته شد - موجود نباشد خسارت تأخیر تأدیه را تنها می‌توان در قالب ماده یادشده مطالبه کرد؛ بدان معنا که با فرض تمکن مدیون از ادای دین در سررسید و مطالبه داین، می‌توان خسارت تأخیر را در فرض کاهش شدید ارزش پول، براساس شاخص قیمت سالانه که توسط بانک مرکزی اعلام می‌شود، مطالبه کرد.<sup>۱</sup>

#### ۴.۳. تفکیک توافق به اعتبار ذی‌نفع تعهد در اداره حقوقی قوه قضاییه

اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه مشورتی شماره ۲۴۸۵/۷ مورخ ۱۳۸۴/۴/۱۳ قسمت اخیر ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی را چنین تفسیر کرده است:

«چنانچه در ضمن قرارداد بین طرفین در تعیین میزان خسارت تأخیر تأدیه در صورت تخلف از مفاد قرارداد توافق شده باشد طرفین ملزم به رعایت آن بوده و با توجه به ماده ۲۳۰ قانون مدنی قاضی نمی‌تواند به کمتر از آنچه که مورد توافق طرفین درمورد خسارت تأخیر تأدیه قرار گرفته است، حکم صادر کند».

#### ۴.۴. عدم مشروعیت توافق بر مازاد شاخص تورم در نظریه اداره

##### حقوقی قوه قضاییه

اداره حقوقی قوه قضاییه برخلاف نظر فوق‌الذکر در سال ۱۳۹۲ به‌موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۷۴۷ مورخ ۱۳۹۲/۹/۹ توافق نسبت به مازاد بر شاخص تورم را نامعتبر اعلام نمود. در این نظریه آمده است:

«توافق بر جریمه به عنوان وجه التزام خسارت تأخیر تأدیه دین فقط در چارچوب مقررات قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ با اصلاحات بعدی

۱. سیدحسن وحدتی‌شیرازی، «مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه»، مجله

اقتصاد اسلامی، ش ۱۲ (زمستان ۱۳۸۲): ص ۱۰۸.



برای وجوه و تسهیلات اعطائی بانک‌ها پیش‌بینی شده است، ولی در تمام دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج است مطالبه و پرداخت خسارت تأخیر تأدیه براساس ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود و شرط زیاده در تعهدات پولی ربای قرضی محسوب می‌شود. وجه التزام موضوع ماده ۲۳۰ قانون مدنی ناظر به تعهدات غیرپولی است و قسمت اخیر ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی راجع به امکان مصالحه طرفین به نحوه دیگر ناظر به مصالحه به کمتر از شاخص تورم است، زیرا مقررات یادشده تا سقف شاخص تورم امری بوده و توافق بر بیشتر از آن بی‌اعتبار است.»

### نتیجه‌گیری

خسارت تأخیر در انجام دیون پولی همواره در اصطکاک با احکام و مقررات رباست. مخالفت احکام شرعی و دستورات حکومتی با دریافت ربا به ممنوعیت مطالبه خسارت تأخیر در انجام دیون پولی منتهی گردید، اما از دیرباز حيله در جوامع مختلف، طریقی برای اجتناب از ربا در عین دریافت مبلغ اضافی محسوب می‌شد چنانکه اقسام حیث حتی در منابع شرعی نیز ممدوح و مجاز به‌شمار می‌آید. تغییر الفاظ و عبارات یکی از شیوه‌های رایج برای گریز از قوانین امری در روابط خصوصی است. متعاقبین به جای اینکه به مدیون اختیار تأدیه در موعد مؤخر در ازای پرداخت مبلغ اضافی اعطاء نمایند و به عنوان ربا مشمول مسئولیت مدنی، کیفی و اخلاقی قرار گیرند، در متن قرارداد خویش زمان معینی برای تأدیه دین در نظر می‌گیرند و تخلف مدیون از آن زمان مقرر را با قید پرداخت مبلغ اضافی جریمه می‌کنند.

اگرچه بسیاری از فقهاء حتی در شورای نگهبان این روش را پذیرفته‌اند و ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی نیز برحسب ظاهر آن را تأیید کرده است، اما پذیرش این آزادی لجام‌گسیخته به معنای نادیده گرفتن همه تحولات حقوقی و اجتماعی دنیای معاصر می‌باشد. دلخوش و قانع بودن به حاکمیت اراده، پیامدی جز بی‌عدالتی اجتماعی و تبعات ناگوار اقتصادی و اجتماعی به همراه ندارد.

به همین دلیل می‌بایست آراء قضایی اخیر را - که پرداخت خسارت تأخیر را در حدود متعارف خود پذیرفته‌اند - ارج نهاد، اما در عین حال توجه به سه نکته حائز

اهمیت است: (۱) در کنار توجه به وضعیت مدیون نباید از طرف دیگر قرارداد غافل شد و حقوق داین را به بوته فراموشی سپرد. محدود کردن داین به شاخص تورم بانک مرکزی با توجه به اینکه در بسیاری موارد نرخ مذکور کمتر از میزان تورم رایج در جامعه است، موجب می‌شود خسارت طلبکار جبران نشده باقی بماند و مدیون به طمع تحصیل منافع بیشتر از محل پول دیگری عملاً در پرداخت بدهی مداخله نماید به‌ویژه آنکه این منافع و فواید مالی بیشتر از مبلغ خسارت تأخیر در تأدیه است که او احتمالاً به پرداخت آن محکوم می‌شود؛ (۲) معافیت مطلق بانک‌ها از همه این قید و بندها و تأیید مطلق قراردادهای بانکی و وجه التزام مندرج در آن با ایجاد یک تبعیض غیرموجه، مهم‌ترین مصداق داین یا طلبکار در جامعه کنونی را به حال خویش می‌گذارد و او را از همه این احکام و مباحث فارغ می‌سازد؛ (۳) رویه قضایی می‌توانست با صدور رأی به میزان شاخص تورم، توافق مازاد بر آن را به دلیل مغایرت با قواعد امره غیرقابل اجراء بداند. صدور رأی بر رد دعوی خواهان و نادیده گرفتن کامل توافق، او را به طرح دعوی مجدد وامی‌دارد و موجب اتلاف زمان و هزینه برای دادگاه و اصحاب دعوی خواهد بود.

بنابراین، به‌منظور اجتناب از بروز چنین مشکلاتی بهتر است قانونگذار حداکثر نرخ خسارت مورد توافق را به میزانی بالاتر از شاخص بانک مرکزی تعیین کند تا از یک‌سو توافق طرفین جنبه تضمینی و بازدارندگی خود را، حفظ و از نقض عهد مدیون پیشگیری نماید و از سوی دیگر همه دینان، فارغ از قدرت اقتصادی و چانه‌زنی خود و مقدار نفوذ خویش در ارکان حکومتی در چارچوب واحدی مورد قضاوت قرار گیرند.

## فهرست منابع:

۱. اسکینی، ربیعا، «وجه التزام در قراردادهای تجاری بین المللی»، مجله حقوقی، ش ۹، ۱۳۶۷.
۲. بازگیر، یداله، قانون مدنی در آئینه آراء دیوان عالی کشور، عقود و تعهدات، ج ۳، (تهران: انتشارات فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۷۸).
۳. بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، «ربا»، قم: نشر بوستان کتاب (قم، چاپ اول، ۱۳۸۱).
۴. تسخیری، محمدعلی، «شرط کیفری مالی در بانکداری بدون ربا»، فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت، ش ۳۵، ۱۳۸۲.
۵. حائری یزدی، کاظم، «بررسی اوراق نقدی از منظر فقهی»، مجله فقه اهل بیت (ع)، ش ۱۹ و ۲۰، ۱۳۷۸.
۶. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، (قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ هـ. ق.).
۷. خویی، سیدابوالقاسم، منهج الصالحین، ج ۲، (قم: انتشارات مدینه العلم، ۱۴۱۰ هـ. ق.).
۸. شهیدی، مهدی، حقوق مدنی: آثار قراردادهای و تعهدات، ج ۳، (تهران: انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۲).
۹. صانعی، (شیخ) یوسف، استفتائات قضایی، ج ۱، (تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴).
۱۰. صدر، سیدمحمدباقر، البنك اللاربوی، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ هشتم، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۱۱. عادل، مرتضی، «توافق بر خسارت در قراردادهای»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۵۳، ۱۳۸۰.
۱۲. کیایی، عبدالله، قانون مدنی و فتاوی امام خمینی، ج ۱، (تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۴).

۱۳. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، (تهران: شرکت سهامی انتشار، بهمن برنا، چاپ دوم، ۱۳۸۵).
۱۴. معاونت آموزشی دادگستری استان تهران، مجموعه آراء دادگاههای تجدیدنظر استان (تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱).
۱۵. معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، مجموعه آیین دادرسی مدنی، نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه، ۱۳۸۷.
۱۶. موسوی خمینی، سیدروح الله، تحریر الوسیله، ج ۱، چاپخانه قدس، ۱۳۸۶.
۱۷. موسویان، سیدعباس، «بررسی فقهی - حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران»، مجله فقه و حقوق، ش ۴، بهار ۱۳۸۴.
۱۸. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۵، لبنان - بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۱۹. وحدتی شبیری، سیدحسن، «مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه»، مجله اقتصاد اسلامی، ش ۱۲، زمستان ۱۳۸۲.

سایت روزنامه رسمی:

<http://rooznamehrasmi.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code1630=>